



# رابطه سبک های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر

نویسندگان: غلامرضا خوئی نژاد- علیرضا رجایی- تکتّم محب راد

جست و جو و آماده سازی:

مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان





هدف این پژوهش بررسی رابطه ادراک از سبکهای فرزندپروری و تأثیر مولفه های آن بر احساس تنهایی نوجوانان دختر است. فرض اساسی این پژوهش آن است که ادراک فرزندان از سبکهای فرزندپروری والدین شان می تواند احساس تنهایی آنان را تعدیل کند یا تغییر دهد. نمونه پژوهش ۳۸۷ دانش آموز بودند که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از بین دختران دبیرستانی مشهد و منطقه تبادلگان انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری داده ها عبارت بودند از: پرسشنامه سبکها و ابعاد فرزند پروری (PSDQ)، رابینسون و همکاران، (۲۰۰۱) برای بررسی وضعیت ادراک فرزندان از چگونگی تربیت والدین و مقیاس احساس تنهایی افتراقی (اشمیت و سرمات، ۱۹۸۳) برای بررسی میزان احساس تنهایی آزمودنی ها که هر دو را دانش آموزان دختر پاسخ دادند.

برای بررسی فرضیه ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. در بررسی فرضیه های پژوهش، بین سبکهای فرزندپروری مقتدر (۲) ۵۴/۰، سبک مستبد (۲) ۳۴/۰ و سبک سهل گیر (۲) ۱۸/۰ با احساس تنهایی رابطه معنادار (۱/۰ > p) به دست آمد. همچنین نتایج به دست آمده نشان دهنده رابطه معنادار بین تمامی مولفه های سبک تربیتی مقتدر (بعد ارتباطی ۲) ۵۲/۰ =، بعد نظم ۲) ۴۲/۰ =، و بعد خودمختاری ۲) ۴۹/۰ =، سبک فرزندپروری مستبد (اجبار فیزیکی، ۲) ۲۸/۰ =، خصومت کلامی، ۲) ۲۹/۰ = و غیر توضیحی - تنبیهی، ۲) ۳۲/۰ = و مولفه بی توجهی (۲) ۱۸/۰ =، از سبک تربیتی سهل گیر با احساس تنهایی (۱/۰ > p) بود.

## مقدمه

رابطه بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به طور مستقیم و غیر مستقیم، از طریق سبکها و روشهای مختلف فرزندپروری در کودکان تاثیر می گذارد.

اکثر روان شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش های متقابل میان والدین و فرزندان خود را اساس تحول عاطفی تلقی می کنند (بالبی، ۱۹۶۹ و فروید، ۴، ۱۹۶۴ به نقل از مهرابی زاده و همکاران، ۱۳۷۹). مایز و پتیت (۱۹۹۷) سبکهای فرزند پروری را این گونه تعریف کرده اند: مجموعه ای از رفتارها که تعیین کننده ارتباطات متقابل والد- فرزند در موقعیت های متفاوت و گسترده ای است، و این گونه فرض می شود که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می گردد.

بامریند (۱۹۹۱)، از سبکهای فرزند پروری مستبد، مقتدر ۶ و سهل گیر ۷ نام برد. بر اساس نظریه بامریند،



سبکهای فرزند پروری به عنوان واسطه بین متغیرهای هنجاری آنان و جامعه پذیری کودکانشان عمل می کند. سبکهای فرزند پروری هم دارای نقش حمایتی و هم غیر حمایتی هستند که البته پیامد به کارگیری هر یک از آنها بر تحول کودک متفاوت است.

نتایج به دست آمده از برخی پژوهش ها، رابطه سبکهای فرزندپروری با شایستگی های اجتماعی کودکان را نشان داده است ( بامریند، ۱۹۹۱؛ دکوویچ و جانسنز، ۱۹۹۲؛ لامبرن، مونترز، اشتاین برگ و دورنباخ، ۱۹۹۱) ۸.

بامریند ( ۱۹۷۱) بیان می کند که والدین دیکتاتور، روابط سرد همراه با کنترل زیاد را بر فرزندان خود اعمال می کنند. والدین مقتدر، کنترل خود را همراه با رابطه گرم و پاسخگویی بر فرزندان خود دارند. در حالی که والدین سهل گیر، انتظارات اندکی از فرزندان خود داشته و هیچ گونه کنترل و پاسخگویی هم نسبت به آنان ندارند.

والدین دیکتاتور، اغلب فرزندان خود را متحیر می کنند و در مورد تنبیه به کار گرفته شده، هیچ گونه توضیحی نمی دهند و اجرای تأدیههای قوی، سبب اختلال در پردازش کودکان نسبت به پیام ها و صحبت های والدین و دیگران می شود و آنان در ترس دائم به سر می برند ( هارتوپ و لارسن، ۱۹۹۳؛ باربر، ۲۰۰۰؛ ولایبل و تامپسون، ۲۰۰۲) ۹.

والدین مقتدر در حالی که روشهای کنترلی را بر فرزندان خود اعمال می کنند، در مورد انجام آن توضیح می دهند و همچنین روشهای تقویتی را برای تغییر رفتار کودکان خود به کار می گیرند. در این سبک مجموعه ای از حمایت اجتماعی، ارتباط دوسویه، پذیرندگی، پاسخگویی، شکیبایی و خشنودی نسبت به فرزندان دیده می شود ( بامریند، ۱۹۷۱؛ پتیت و مایز، ۱۹۹۵؛ گول نیک و رایان، ۱۹۸۹؛ کوریدو، وارنر و ایبرگ، ۲۰۰۲) ۱۰ نشان داد سبک فرزندپروری مقتدر با سازمان دهی، پیشرفت تحصیلی و جهتگیری عقلانی در کودکان رابطه مثبت دارد.

کودکان والدین مقتدر سطوح بالاتری از خودمختاری دارند و از صلاحیت های اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند و پرخاشگری کمتری از خود نشان می دهند ( دیزلند، ۲۰۰۰؛ دمتریویچ و بایرمن ۲۰۰۱ و دورتسکی ۱۲ ۱۹۹۷ به نقل از عسکری، ۱۳۷۸).

دانش آموزان با والدین مقتدر بیشتر از دانش آموزان با والدین مستبد و سهل گیر، از شیوه حل مساله در شرایط استرس زا، استفاده می کنند و ارتباط منفی معناداری بین رضایتمندی از ارتباط والدین با احساس تنهایی وجود دارد ( مورفی و نیولن ۱۳، ۱۹۸۷ به نقل از هییتی، ۱۳۸۱). والدین سهل گیر، هیچ گونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این کودکان کمترین میزان اعتماد به نفس، کنجاوی و خود کنترلی را در هر گروهی از خود

نشان می دهند و در کنترل تکانه و تشخیص و تشخیص ارزش ها از ضد ارزش ها مشکل دارند ( بامریند، ۱۹۷۱؛ لامبورن ۱۴ و همکاران، ۱۹۹۱؛ برن اشتاین ۱۵، ۲۰۰۲؛ کوریدو، وارنر و ایبرگ، ۲۰۰۲ و ماسن ۱۶ و همکاران، ۱۳۷۴).

سبک فرزندپروری مقتدر دارای سه بعد یا مولفه ارتباطی ۱۷ ( حمایتگر و پذیرا)، نظم ۱۸ ( کنترل) و خود مختاری ۱۹ ( مشارکت آزادانه) است. سبک والدینی مستبد نیز دارای سه مولفه اجبار فیزیکی ۲۰، خصومت کلامی ۲۱ تنبیهی و غیر توضیحی ۲۲ است ( جرج، ۲۰۰۴).

ویژگی ارتباط ( حمایتی و پذیرا) که حمایت هیجانی، ارتباط دو سویه، محیطی منعطف، همراه با پاسخ دهی والدین را شامل می شود. ویژگی نظم ( کنترل) در سبک اقتدارمنش، پاسخ دهی منطقی برای انجام امور، فراهم سازی محیطی برای مشخص شدن نتایج رفتار در فرزندان می باشد و ویژگی خودمختاری، فراهم نمودن محیطی برای بیان احساسات و عقاید فرزندان و استفاده از نظرات آنان در ایجاد قواعد خانوادگی است ( هارتوپ و لارسن، ۱۹۹۳). بعد اجبار فیزیکی به معنای به کارگیری فراوان تنبیهات نامشخص و خشن، همراه با کنترل زیاد و پذیرندگی پایین برای فرزندان می باشد.

بعد خصومت کلامی با به کار گیری انتقادهای مخرب برای ایجاد نظم در فرزندان مشخص می شود و بعد غیر تنبیهی توضیحی - تنبیهی با به کارگیری تنبیهات و حقیر کردن فرزندان با ارائه توضیحی بسیار اندک و یا بدون آن می باشد ( لایبل و تامپسون، ۲۰۰۲). و در نهایت ویژگی بی توجهی که ارائه خواسته های اندک همراه با محدودیت های بسیار کم از فرزندان را شامل می شود ( لامبورن و همکاران، ۱۹۹۱).

از سوی دیگر، پیترسن ۲۴ (۱۹۸۸) دوره نوجوانی را مرحله ای از زندگی می داند که با تغییرات زیست شناختی شروع شده و با تغییرات اجتماعی به پایان می رسد. نوجوانی دوره ای از زندگی است که در آن تغییرات بسیاری در فرآیندهای زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی به وقوع می پیوندد و تمایل برای برقراری رابطه صمیمانه و خودافشایی افزایش می یابد. همچنین احساس ناپیوستگی باعث بروز تنهایی و در برخی همراه با دیگر مشکلات شدید سازگاری مانند: سوء مصرف مواد، بزهکاری، افسردگی و خودکشی مرتبط است ( لرنر و اسپانیر، ۱۹۸۰؛ گلفاند و تتی، ۱۹۹۰؛ هنوود و سولانا، ۱۹۹۴؛ کالپ و کلیمن ۲۵، ۱۹۹۵ به نقل از آقا محمدیان و حسینی، ۱۳۸۴).

الهاگین ۲۶ (۲۰۰۴)، تنهایی را به عنوان تجربه ای منفور، پریشان کننده و ناخوشایند بیان می دارد که باعث می گردد نوجوان احساس حقارت کرده و حالات خلقی ناراحت کننده ای را تجربه کند، شاید تنهایی، نتیجه تعامل های بین کودک و سبکهای فرزندپروری والدین است.





بلای ۲۷ ( ۱۹۸۹، به نقل از دیل و اندرسون ۲۸، ۱۹۹۸) احساس تنهایی را بر پایه سه مؤلفه شناختی، خلقی و رفتاری تعریف می کند. جونز ۲۹ و همکاران ( ۱۹۹۰)، گزارش کرده اند که بین احساس تنهایی و شرمساری، همبستگی مثبت از ۴۰/۰ تا ۵۱/۰ وجود دارد. همچنین بین احساس تنهایی و اضطراب بالا به ویژه به لحاظ اجتماعی همبستگی وجود دارد.

موری و شولتز ۳۰ (۱۹۸۳) نشان داده اند که ارتباط مثبت معناداری بین احساس تنهایی و اضطراب حالت و صفت وجود دارد. هارت و رایزلی ۳۱ (۱۹۹۵) شناخت اجتماعی را دارای چند جنبه می دانند: ادراک خود، ادراک دیگری، ارتباط و قراردادهای نظم بخش وسازمانده ارتباط خود با دیگران. از نظر آنان، ادراک اجتماعی، میانجی کودک با عوامل اجتماعی ساز جامعه است. به اعتقاد وی فرآیندهای، شناختی- اجتماعی که در پذیرش و نفوذ اجتماعی درگیر هستند، عبارت اند از: ارتباط و مبادله، دیدگاه گیری و ساز و کارهای اسنادی.

از نظر یورکلند ۳۲ ( ۲۰۰۰، نقل از محسنی، ۱۳۸۳)، دو گونه شناخت را می توان از هم متمایز کرد. نخست شناخت غیر اجتماعی یا شناخت سخت و دوم شناخت اجتماعی یا شناخت هنجار. شناخت غیر اجتماعی در رابطه با کلمات، تصاویر، اعداد و به طور کلی اشیاء بی جان است. در حالی که شناخت هنجار شامل تفکر درباره انسان ها و روابط با یکدیگر و مقولات و زیر مقولات متعدد و گسترده تر است. پس ادراک یک نوجوان از سبک فرزندپروری والدین خود تأثیر بسزایی در شناخت اجتماعی و روابط او دارد. آکولینو و ساپل ۳۳ ( ۲۰۰۱) و گلامبوس ۳۴ و همکاران ( ۲۰۰۳) نیز بیان می دارند، نوجوانانی که والدین خود را آزادمنش، گرم و حمایتی ادراک می کنند، سازگاری بهتری ( اعتماد به نفس بالاتر، احساس رضایت بیشتر از دوستان و زندگی عاطفی، تحریک پذیری کمتر) را در پنج سال بعدی زندگی خود تجربه خواهند کرد.

پورعبدی ( ۱۳۸۱) بیان می کند، بین ادراک دانش آموز از شیوه های فرزندپروری ( اقتدارمنطقی، استبدادی و سهل گیر) با امکان کنترل او رابطه معناداری وجود دارد. اما رضایی ( ۱۳۷۵)، در تحقیق خود نشان داد بین شیوه فرزندپروری استبدادی مادران و بلوغ اجتماعی دانش آموزان در کلیه پایه ها رابطه وجود ندارد. هواسی ( ۱۳۸۰) بیان داشت، روش فرزندپروری مستبد با خانواده های دارای نوجوان معتاد، رابطه مثبت دارد. برخی از پژوهش ها نشان دهنده آن بوده است که برداشت و ادراک دانش آموزان از روابط با والدین، پیش بینی کننده بهتری برای رضایتمندی آنان از زندگی محسوب می شود ( لانگ و لانگ ۳۵، ۱۹۹۲؛ نقل از آقا محمدیان و حسینی، ۱۳۸۴).

به هر حال پژوهش های انجام گرفته مربوط به احساس تنهایی در سالهای اخیر رشد قابل توجهی را نشان می دهد که دلایل آن را می توان به گسترش روزافزون این پدیده در جوامع، علاقه مندی پژوهشگران به بررسی روابط انسانی، و تهیه مقیاس های روان سنجی مرتبط، بیان داشت ( پپلا و پرلمن ۳۶، ۱۹۸۲). در این تحقیق با



توجه به اهمیت سبکهای والدین، علاوه بر توجه به سه سبک مهم مقتدر، مستبد و سهل گیر؛ ابعاد و زیر مجموعه های این سبک ها (ارتباطی، نظم، خودمختاری، اجبار فیزیکی، خصومت کلامی، تنبیهی، غیر توضیحی- و بی توجهی) که رابینسون، ماندلکو، آلسن و هارت ۳۷ (۲۰۰۱) مطرح کرده اند نیز مد نظر قرار گرفته است و ادراک دانش آموزان از آنها را ارزیابی شده است. بنابراین در این پژوهش، پرسش زیر مورد آزمون قرار گرفت:

- آیا بین ادراک از سبک های فرزندپروری والدین و مؤلفه های آنان (ابعاد آن) با احساس تنهایی دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد؟

روش

روش پژوهش با توجه به سوال مطرح شده، روش همبستگی از نوع دو متغیرهاست. در این روش رابطه میان متغیرها بر اساس هدف تحقیق، تحلیل می شود که در الگوی دو متغیره، هدف تعیین میزان هماهنگی تغییرات دو متغیر است (خوی نژاد، ۱۳۸۳).

جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر دبیرستانی مشغول به تحصیل در نواحی هفتگانه و تبادلگان مشهد در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ می شد که تعداد آنها ۸۹۸۳۵ نفر بوده است.

نمونه پژوهش بر اساس یک مطالعه مقدماتی (۵۰ نفر) میزان واریانس متغیر احساس تنهایی مشخص شد و سپس با توجه به تعداد افراد جامعه از طریق فرمول  $S = (zS = (z^2 NP (1-P)) / (d^2 (N-1) + Z^2 P (1-P))$  حجم نمونه محاسبه گردید که معادل ۳۸۷ نفر به دست آمد.

با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای ۳۸ ابتدا از بین هشت ناحیه آموزش و پرورش شهر مشهد، چهار ناحیه به صورت تصادفی انتخاب گردید (نواحی ۱، ۳، ۴ و تبادلگان). در گام دوم فهرستی از کلیه دبیرستانهای دخترانه از این نواحی تهیه گردید و به صورت تصادفی از هر ناحیه ۲ دبیرستان انتخاب گردید. در گام بعد از هر دبیرستان از بین پایه های دوم، سوم و پیش دانشگاهی یک کلاس به طور تصادفی انتخاب و سرانجام در گام آخر از میان کلیه دانش آموزان دختر پایه های یاد شده تعداد مورد نظر انتخاب گردید.

در این پژوهش از مقیاس های زیر برای جمع آوری داده ها استفاده شد:

الف- پرسشنامه سبکها و ابعاد فرزندپروری (PSDQ) (۳۹) رابینسون، ماندلکو، آلسن و هارت، (۲۰۰۱)، یک آزمون ۳۲ سوالی که در مقیاس لیکرت به صورت ۱=هرگز، ۲=گاهی، ۳=تقریباً متوسط، ۴=بیشتر وقت ها و ۵=همیشه نمره گذاری می گردد.



سوال های این پرسشنامه برای اندازه گیری سه سبک مقتدر، مستبد و سهل گیر بر پایه نظریه و سبکهای فرزندپروری بامریند تنظیم و تدوین گردیده است. این پرسشنامه علاوه بر سه سبک فرزندپروری دارای ۷ بعد ارتباطی است. سبک مقتدر دارای ابعاد یا مؤلفه های ارتباطی، نظم و خودمختاری می شود. در این پرسشنامه سبک مستبد شامل سه بعد است، بعد اجباری فیزیکی، خصومت کلامی و تنبیهی و بعد غیر توضیحی. سرانجام سبک سهل گیر دارای یک بعد یعنی بعد بی توجهی می شود. جورج (۲۰۰۴) در پژوهش خود ضریب پایایی این مقیاس را ۰/۷۹ برآورد کرده است و در این پژوهش بر پایه گروه نمونه ضرایب آلفای (a) پرسشنامه سبکهای مقتدر، مستبد و سهل گیر به ترتیب برابر با ۰/۹۰، ۰/۸۳ و ۰/۶۱ بوده است و ضریب آلفای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. روایی این پرسشنامه را تعدادی از استادان بررسی و تأیید کردند.

ب- مقیاس احساس تنهایی افتراقی ۴۰ (اشمیت و سرمات ۴۱، ۱۹۸۳) این آزمون شامل ۱۵ سوال است که به صورت صحیح- غلط پاسخ داده می شود.

این مقیاس دارای بعد خانواده ۴۲، گروه های بزرگتر ۴۳ و بعد دوستان ۴۴ است که ضریب همسانی درون مقیاس در نسخه آلمانی ۰/۹۱ گزارش شده است و مک و ویرترا (۱۹۹۰)، پایایی مقیاس را ۰/۸۲ گزارش کرده است. در این پژوهش ضریب همسانی درونی مقیاس بر پایه گروه نمونه برابر با ۰/۸۶ به دست آمد که این ضرایب به ترتیب برای ابعاد خانواده، گروه های بزرگتر و بعد دوستان برابر با ۰/۸۳، ۰/۷۷ و ۰/۷۸ بود. روایی این پرسشنامه را تعدادی از استادان روان شناسی بررسی و تایید کردند. در این پژوهش گردآوری اطلاعات از طریق میدانی انجام گرفت. بدین منظور پژوهشگر با مراجعه به مدارس انتخاب شده، و ارائه پرسشنامه سبکهای فرزندپروری و احساس تنهایی به آزمودنی ها، اطلاعات لازم را جمع آوری کرد. لازم به ذکر است که قبل از تکمیل کردن پرسشنامه اطلاعات چندی به آزمودنی ها برای سهولت در انجام کار ارائه شد و علاوه بر این به آنان اطمینان داده شد که نتایج محرمانه باقی خواهد ماند. آزمودنی ها در مدت زمان ۲۰ تا ۳۰ دقیقه پرسشنامه ها را تکمیل کردند و تحویل پژوهشگر دادند.

## یافته ها

به منظور بررسی سوال های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون برای هر یک از سبکهای فرزندپروری سه گانه (مقتدر، مستبد و سهل گیر) و مؤلفه های آنان به ترتیب استفاده گردید.

جدول ۱- ضرایب همبستگی بین سبک های فرزندپروری و احساس تنهایی

سبک ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی
مقتدر	۳۸۷	۴۸/۸۷	۱۳/۲۷	*-۰/۵۴
مستبد	۳۸۷	۲۴/۹۵	۸/۹۷	*۰/۳۴
سهل گیر	۳۸۷	۱۱/۰۸	۳/۴۷	*۰/۱۸



نتایج به دست آمده در جدول ۱ نشان دهنده وجود همبستگی منفی معنادار ( $-0/54$ ) بین سبک فرزندپروری مقتدر و احساس تنهایی است. یعنی ادراک از سبک فرزندپروری مقتدر والدین با میزان احساس تنهایی دانش آموزان دارای رابطه منفی معنادار است.

ادراک از سبک فرزندپروری مستبد با میزان احساس تنهایی دارای رابطه مستقیم معنادار است و با افزایش ادراک سبک مستبد والدین، میزان احساس تنهایی در فرزندان دختر نیز افزایش می یابد و ضریب همبستگی معادل  $0/34$ ، به دست آمد.

همچنین در ادراک از سبک فرزندپروری سهل گیر و احساس تنهایی آزمودنی ها رابطه مثبت معنادار وجود دارد، یعنی با افزایش ادراک سبک فرزندپروری سهل گیر دانش آموزان دختر میزان احساس تنهایی آنان نیز افزایش می یابد. ضریب همبستگی پیرسون در این آزمون  $0/18$  بود، که نسبت به دو سبک پیشین از میزان کمتری برخوردار است. تمامی این همبستگی ها ( $p > 0/01$ ) از نظر آماری معنادار بودند.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین ابعاد سبکهای فرزندپروری و احساس تنهایی

سبک ها	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی
مقتدر	ارتباطی	۱۷/۲۳	۵/۳۱	$-0/52^*$
	نظم	۱۶/۴۰	۴/۴۱	$-0/42^*$
	خودمختاری	۱۶/۲۳	۵/۲۴	$-0/49^*$
مستبد	اجباری فیزیکی	۶/۷۹	۳/۳۲	$0/28^*$
	خصوصیت کلامی	۱۰/۳۴	۳/۹۷	$0/29^*$
	تنبیهی غیرتوضیحی	۷/۸۱	۳/۲۵	$0/30^*$
سهل گیر	بی توجهی	۱۱/۰۸	۳/۴۷	$0/18^*$

بر اساس داده های جدول ۲ ادراک بالا از بعد ارتباطی ( حمایتی و پذیرا،  $r = -0/52$ )، بعد نظم ( کنترل،  $-0/42$ ) ( $r = 0$ ) و خودمختاری ( مشارکت آزاد،  $0/49$ )  $r = 0$  در سبک تربیتی مقتدر با کاهش احساس تنهایی در فرزندان دختر همراه است.

ادراک بالا از بعد اجبار فیزیکی ( $r = 0/28$ )، بعد خصوصیت کلامی ( $0/29$ ) و بعد تنبیهی - غیر توضیحی ( $0/30$ )  $r = 0$  در سبک فرزندپروری مستبد با افزایش احساس تنهایی در فرزندان دختر مورد مطالعه همراه بود. بین ادراک از بعد بی توجهی در سبک فرزندپروری سهل گیر با احساس تنهایی آزمودنی ها رابطه مثبت معنادار وجود دارد، هر چه فرزندان ادراک بالاتری از بعد بی توجهی در سبک تربیتی سهل گیر با احساس تنهایی آزمودنی ها رابطه مثبت معنادار وجود دارد، و هر چه فرزندان ادراک بالاتری از بعد بی توجهی در سبک تربیتی سهل گیر والدین خود داشته باشند، میزان احساس تنهایی آنان نیز افزایش می یابد. ضریب همبستگی پیرسون در این آزمون  $0/18$  بود که نسبت به سایر ابعاد مربوط به سبک های تربیتی از میزان کمتری برخوردار است. در مقایسه نسبی بین ابعاد سبک های فرزندپروری ( ارتباطی، نظم، خودمختاری، اجبار فیزیکی، خصوصیت کلامی، تنبیهی - غیرتوضیحی - تنبیهی، و بی توجهی)، بیشترین میزان ضرایب همبستگی را بعد ارتباطی سبک



مقتدر ۵۲/۰ و کمترین میزان را بعد بی توجهی ۰/۱۸ به خود اختصاص داده است.

- بحث و نتیجه گیری

یافته های مربوط به سوال پژوهش نشان داد که بین ادراک از سبک های فرزندپروری مقتدر با احساس تنهایی رابطه منفی معنادار (  $r = -0.54$  )، مستبد با احساس تنهایی رابطه مثبت معنادار (  $r = 0.34$  )، و سهل گیر با احساس تنهایی رابطه مثبت معنادار (  $r = 0.18$  ) وجود دارد (  $p > 0.01$  ). یافته های این پژوهش با نتایج پژوهشگرانی که رابطه سبک های فرزندپروری و شایستگی های اجتماعی را مطالعه کردند ( بامریند، ۱۹۹۱؛ دکوویچ و جانسون، ۱۹۹۲؛ دیشن، ۱۹۹۰؛ لامبورن و دیگران، ۱۹۹۱؛ موری و شولتز، ۱۹۸۳؛ مورفی و نیولن، ۱۹۸۷ نقل از هیبتی از ۱۳۸۱) هماهنگی دارد.

به عنوان مثال دکوویچ و جانسن ( ۱۹۹۲ ) در پژوهش خود بیان می دارند که وضعیت اجتماعی فرزندان را می توان از طریق سبک های فرزندپروری والدین آنها پیش بینی کرد. بررسی رابطه مؤلفه های سبک فرزندپروری مقتدر ( بعد ارتباطی یا حمایتی، بعد نظم یا کنترل، و بعد خودمختاری یا مشارکت) با متغیر احساس تنهایی، نشان می دهد که تمامی مولفه های این سبک تربیتی ( بعد ارتباطی  $r = -0.52$ ؛ بعد نظم  $r = -0.42$ ؛ و بعد خودمختاری  $r = 0.49$  ) دارای ارتباط منفی معنادار (  $p > 0.01$  ) با احساس تنهایی است. نتایج حاصل از این پژوهش با بسیاری از یافته های پژوهشی در زمینه سبک تربیتی مقتدر ( گروولیک و رایان، ۱۹۸۹؛ هیل، ۱۹۹۵؛ دیزلندز، ۲۰۰۰؛ دمیتروویچ و بایرمن، ۲۰۰۱؛ کوریدو، وارنر و ایبرگ، ۲۰۰۲؛ رضایی، ۱۳۷۵ و عسگری، ۱۳۷۸) همخوانی دارد.

به عنوان مثال گروولیک و رایان ( ۱۹۸۹ ) در پژوهشی نشان دادند سبک فرزندپروری مقتدر با پیامدهای رفتاری مثبت چندی همچون خود تنظیمی، قابلیت های اجتماعی بالا، سازگاری اجتماعی مثبت و سطح پایین نارساکنشی شناختی - رفتاری ارتباط داشته است.

دیزلندز ( ۲۰۰۰ ) نشان داده است که کودکان والدین مقتدر، سطوح بالاتری از خودمختاری را نسبت به فرزندان والدین مستبد و سهل گیر از خود نشان داده اند. رضایی ( ۱۳۷۵ ) بیان می دارد که بین این سبک فرزندپروری و بلوغ اجتماعی دانش آموزان در کلیه پایه ها رابطه معنادار وجود دارد.

از میان مؤلفه های سبک مقتدر، بعد ارتباطی ( گرمی - حمایتگری )، بالاترین همبستگی منفی را با احساس تنهایی نشان داده است. نتایج این بخش از پژوهش نیز یافته های بسیاری از محققان که رابطه بعد حمایتی رفتارهای اجتماعی را مورد بررسی قرار داده اند ( مانند لایبل و تامپسون، ۲۰۰۲؛ دمیتروویچ و بایرمن، ۲۰۰۱؛ کوریدو، وارنر و ایبرگ، ۲۰۰۲؛ ماینز و پتی، ۱۹۹۷؛ اشتاین برگ، ۲۰۰۱؛ گالامبوس و همکاران، ۲۰۰۳ و





هیبتی، ۱۳۸۱) را تایید می کند. لایبل و تامپسون (۲۰۰۲) در پژوهش خود دریافتند والدین مقتدر نیروی زیادی را برای تربیت فرزندان صرف کرده، محبت و پذیرش را از آنان دریغ نمی کنند. هیبتی (۱۳۸۱)، در پژوهش خود نشان داد که دانش آموزان با والدین مقتدر بیشتر از دانش آموزان با والدین مستبد و سهل گیر، از شیوه های حل مساله در مقابله با رویدادهای تنش زا استفاده می کنند.

این داده ها نشان می دهد نوجوانانی که والدین با سبک تربیتی مقتدر دارند، نسبت به نوجوانانی که والدین آنها سبک تربیتی مستبد و سهل گیر دارند از احساس تنهایی کمتری برخوردارند. این نکته نشان دهنده این است که این نوجوانان رابطه عاطفی گرمتری با والدین خود دارند و بهتر می توانند در مورد احساسات و مسائل خود با والدین گفت و گو کنند. این امر احتمالاً به رشد عاطفی، اجتماعی و رفتارهای بهنجار این نوجوانان کمک خواهد نمود.

بین سه مؤلفه سبک فرزندپروری مستبد ( اجبار فیزیکی  $228/0$ ؛ خصومت کلامی  $229/0$ ؛ و تنبیهی - غیر توضیحی،  $32/0$  ) در سطح  $P < 0.01$  رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

نتایج این قسمت از پژوهش، یافت های پیشین ( مانند بامریند، ۱۹۷۱؛ گلفاند و تتی، ۱۹۹۰؛ هنوود و سولانو، ۱۹۹۴؛ لایبل و تامپسون، ۲۰۰۲؛ باربر، ۲۰۰۰؛ هارتوپ و لارسن، ۱۹۹۳؛ گلامبوس و همکاران، ۲۰۰۳؛ لاد و لاد، ۴۵۵، ۱۹۹۸؛ کوریدو، وارنر و ایبرگ ۲۰۰۲؛ رضایی، ۱۳۷۵ و عسگری، ۱۳۷۸) را تایید می کند.

بامریند (۱۹۷۱) مطرح می کند که والدین مستبد از تهدید فرزندان به عنوان شیوه ای برای کنترل استفاده می کنند. گلفاند و تتی ( ۱۹۹۰) دریافتند که شیوه های فرزندپروری خصمانه و اجباری به طور کلی سبب کاهش سازگاری و به طور خاص موجب ایجاد مشکلات رفتاری برون سازی در کودکان می شود. هنوود و سولانو (۱۹۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که احساس تنهایی کودکان با راهبردهای ارتباطی ضعیف و نگرش منفی به دیگران ارتباط معنادار دارد.

این نتایج نشان می دهد که استفاده والدین دارای سبک فرزندپروری مستبد از اجبار و تنبیه و سرزنش در نهایت موجب احساسات ناخوشایند در فرزندان آنها و غیرعاطفی بودن والدین و فرزندان خواهد گردید. وجود احساس تنهایی در دختران خانواده هایی با سبک فرزندپروری مستبد احتمالاً به این امر منجر خواهد شد که این دختران برای رفع نیازهای عاطفی و خلأ ناشی از روابط گرم با خانواده به گروههای همسال و یا روابط خارج از چارچوب اجتماعی گرایش پیدا کنند.

بین مؤلفه بی توجهی از سبک تربیتی سهل گیر با احساس تنهایی، رابطه مثبت معنادار  $r = 0.18$  وجود دارد. این مؤلفه نیز با پژوهش های بامریند (۱۹۷۱)، لامبورن و همکاران (۱۹۹۱)، دورتسکی (۱۹۹۷)، به نقل از عسگری،



۱۳۷۸)، برن اشتاین (۲۰۰۲)، کوریدو، وارنر و ایبرگ (۲۰۰۲)، ماسن و همکاران (۱۳۷۴)، وود (۱۹۸۵) و الهاگین (۲۰۰۴) همخوانی دارد. دورتسکی (۱۹۹۷، نقل از عسکری، ۱۳۷۸) در پژوهشی بیان می‌دارد که بین آسان‌گیری نسبت به پرخاشگری و رفتار پرخاشگرانه کودکان نسبت به والدین که از ویژگیهای سبک فرزندپروری سهل‌گیر به شمار می‌آید، همبستگی مثبت وجود دارد.

این نتایج نشان می‌دهد هر چند که سبک تربیتی سهل‌گیرانه با احساس تنهایی نوجوانان رابطه مثبت دارد، اما میزان آسیب آن به نوجوانان کمتر از سبک تربیتی مستبد است.

این موضوع شاید به این دلیل باشد که والدین سهل‌گیر از تنبیه و سرزنش فرزندان خود اجتناب می‌کنند و تنها توجه کمتری نسبت به آنها دارند، و این بی‌توجهی تخریب کمتری در روابط عاطفی آنان با فرزندان آنها دارد و فرزندان آنها از احساسات بهتری نسبت به فرزندان والدین مستبد برخوردار هستند.

از نتایج حاصل از پژوهش می‌توان در جلسه‌های مشاوره خانواده و آموزش مهارت‌های زندگی برای والدین سود جست. علاوه بر این نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار تربیت کودکان و نوجوانان می‌توانند از یافته‌های این پژوهش در جهت کاهش احساسات و رفتارهای نامطلوب در کودکان و نوجوانان و ایجاد شرایط مطلوب در خانواده، به جامعه کمک نمایند. از جمله محدودیت‌های این پژوهش انجام آن بر روی یک جنسیت (دختر) بود که به کارگیری نمونه‌ای از دو جنس و نیز بررسی سایر متغیرها می‌تواند اطلاعات مفید و ارزنده‌ای در پژوهش‌های آینده به ارمغان آورد.

پی‌نوشت‌ها:

غلامرضا خوئی نژاد استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد Email:khuiglamrezayahoo.com

علیرضا رجایی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام

تکتم محب راد کارشناس ارشد روان‌شناسی

4-Bowlby & Freud

5-Authoritarian

6-Authoritative



7-Permissive

8-Baumrind & Dekovic & Jansens & Dishion & Lamborn & Mounts & Steinberg & Dornbusch

9-Hartup & Laurson & Barber & Laible & Thompson

10-Pettit & Mize & Grolnick & Ryan & Querido & Warner & Eyberg

11-Hill

12-Deslands & Domitrovich & Bierman & Dworetzky

13-Murphy & Newlon

14-Lamborn

15-Bornstein

16-Masun

17-Connection

18-Regulation

19-Autonomy

20-physical coercion

21-verbal hostility

22-Non-resoniny/punitive

23-indulgent

24-petersen

25-lerner & Spanier & Gelfand & Teti & Henwood & Solano & Kalp & Keliman

26-Elhageen

27-Blai

28-Dill & Anderson

29-Jones -



- 30-Moore & Schultz
- 31-Hart & Risley
- 32-Bjorklund
- 33-Aquilino & Supple
- 34-Galambos
- 35-Long & Long
- 36-Peplau & Perlman
- 37-Robinson & Mandlco & Olsen & Hart
- 38-Multi stage
- 39-Parenting Style and Dimensions Questionnaire
- 40-Loneliness differential feeling scale
- 41-Schmidt & Sermat
- 42-Family
- 43-Large group
- 44-Friends
- 45-Ladd & Ladd

#### منابع تحقیق

- آقا محمدیان، حمیدرضا و مهران حسینی. (۱۳۸۴)، روان شناسی بلوغ و نوجوانی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

- پورعبدی، محمد (۱۳۸۱)، « بررسی ارتباط بین نگرش به شیوه های فرزندپروری مادر و ادراک فرزند از آن شیوه ها با مکان کنترل و خودپنداره دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهر تهران.» پایان نامه کارشناسی ارشد، ( چاپ نشده)، تهران، دانشگاه تربیت معلم.

- خوی نژاد، غلامرضا. (۱۳۸۳)، روش های پژوهش در علوم تربیتی، چاپ دوم، تهران، سمت.



- رضایی، محمد. (۱۳۷۵)، « بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش آموزان دوره راهنمایی شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ( چاپ نشده)، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- عسکری، عباس علی. (۱۳۷۸)، « بررسی اثر ادراک از شیوه های فرزندپروری بر میزان نگرش بدبینانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ( چاپ نشده)، مشهد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- ماسن، پ. ه. ج کیگان. ا هوستون. ج کانجر. (۱۳۷۴)، رشد شخصیت کودک، ترجمه م. یاسایی، تهران.
- محسنی، نیکچهر. (۱۳۸۳)، نظریه ها در دوران شناسی رشد، تهران، پردیس.
- مهرابی زاده هنرمند، مهناز، بهمن نجاریان و شهناز بحرینی. (۱۳۷۹)، « رابطه شیوه های فرزندپروری با سلامت روانی و هماهنگی مؤلفه های خودپنداشت»، مجله روان شناسی، شماره ۱۳
- هواسی، ناهید. (۱۳۸۰)، « بررسی و مقایسه روشهای فرزندپروری در خانواده های دارای نوجوانان معتاد و خانواده های دارای نوجوانان عادی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ( چاپ نشده)، تهران، دانشگاه الزهرا.
- هیبیتی، خلیل. (۱۳۸۱)، « بررسی شیوه های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر». پایان نامه کارشناسی ارشد، ( چاپ نشده)، دانشگاه شیراز.

Aquilino, W.S & Supple, A.J. (2001). Long-term effects of parenting practices during adolescence on well0being: Outcomes in young adulthood. *Journal of family issues*, 22 (3), 289-308.

Barber, N. (2000). *Why parents matter*. Westport CT: Bergin & Garvey.

Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monographs*, 4, 1-102.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.

Bornstein, M. (2002). *Handbook on parenting: children and parenting (vol 1)*. Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum Publishers.

Cramer, K.E. (2002). The influences of parenting style on children,s classroom motivation. M.D. Thesis, unpublished. Louisiana state university.

Dekovic, M. & Janssens, J. (1992). Parents. Rearing style and child,s sociometric status. *Developmental Psychology*, 28, 925-932.



Deslandes, R. (2000, April). Direction of influence between parenting style and parental involvement in schooling practices, and student, autonomy: A short-term longitudinal design. Retrieved November 13, 2001, from <http://orders.edrs.com/members/sp.cfm?AN=ED441586>

Dill, J. Anderson, C.A., (1998). Loneliness, shyness, and depression: the etiology and interrelationships of everyday problems in living. Chapter in T. Joiner and J.C. Coyne (Eds). The interactional nature of depression: Advances in interpersonal approaches. Washington, D.C.: APA.  
[www.psychology.iastate.edu/faculty/caa/abstracts/1995-1999/99 DA.pdf](http://www.psychology.iastate.edu/faculty/caa/abstracts/1995-1999/99%20DA.pdf)

Dishion, T.J. (1990). The family ecology of boys' peer relations in middle childhood. *Child development*, 61, 1145-1152

Domitrovich, C. & Bierman, K. (2001). Parenting practices and child social adjustment: multiple pathways of influence. *Merrill-Palmer Quarterly*, 47, 235-263

Elhagee, A.A.M. (2004). Effect of Interaction between Parental Treatment Style and Peer Relations in Classroom on the Feelings of Loneliness among Deaf Children in Egyptian Schools. Unpublished M.D Dissertation, eberhsrd-karls-university

Galambos, N.L., Barker, E.T. & Almeida, D.M. (2003). Parent do matter: Trajectories of change in externalizing problem of early adolescence. *Child Development*, 74, 578-594.

George, M.E. (2004). Relations between parenting style and children's social status. Unpublished. *Clinical Psychology Review*, 10, 329-353.

Grolnick, W.S. & Ryan, R.M. (1989). Parent styles associated with children's self-regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology*, 81, 143-154.

Hart, C., & Risley, T. (1995). Meaningful differences in the everyday experience of young American children. Baltimore MD: Brooks Publishing.

Hatrup, W. & Laurson, B. (1993). Conflict and context in peer relations. In C. Hart (Ed). *Children on playgrounds: Research and perspectives and applications* (PP 44-84). Albany NY: SUNY Press.



Henwood, P.G. & Solano, C.H. (1994). Loneliness in young children and their parents. *The journal of Genetic psychology*, 155, 35-45.

Hill, N.E. (1995). The relationship between family environment and parenting style: A preliminary study of African families. *Journal of Black psychology*, 21, 408-423

Jones, W.H. & Rise, B.N., Russel, F. (1990). shyness, social behavior and relationships. In W.H. Jones, J.M. Cheek., & R. Briggs (Eds), *A sourcebook of shyness: Research and treatment* (PP 227-238). New York: Plenum Press.

Ladd, G., & Ladd, B. (1998). Parenting behavior and parent-child relationships: Correlates of peer victimization in kindergarten. *Developmental Psychology*, 34, 1450-1458

Lamborn, S., Mounts, N., Steinberg, L., & Dornbusch, S. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065.

Laible, D., & Thompson, R. (2002). Mother-child conflict in toddler years: Lessons in emotion, morality, and relationships. *Child Development*, 73, 1187-1203

Lerner, R.M. & Spanier, G.B. (1980). A dynamic interactional view of child and family development. *Child Influences on Marital and Family Interaction: A Life-Span Perspective* (PP 1-20). New York: Academic.

McWhirter, B.T. (1990) Factor analysis of the revised UCLA Loneliness Scale. *Current Psychology: Research and Reviews*, 9 (1), 56-68.

Mize, J. & Pettit, G. (1997). Mothers. Social coaching, mother-child relationship style and children. *S peer competence: Is the medium the message*. *Child Development*, 68, 312-332

Moore, D. & Schultz, N.R. (1983). Loneliness and adolescence: Correlations, attributions and coping. *Journal of youth and adolescence*, 12, 95-100

Petersen, A.C. (1988). Adolescent development. *Annual Review of Psychology*, 39, 583-607

Peplau, L.A. & Perlman, D. (1982). *Loneliness: A sourcebook of current theory, research and therapy*. New York: Wiley-Inter science Publication.





Pettit,G.& Mize, J.(1995). Substance and style:Understanding the ways in which parents teach children about social relationships. In S.Duck (Ed.). Learning about relationships,understanding relationship processes, vol 2 (PP 118-151).Thousand Oaks,CA:Sage Publications.

Querido,J.G.,Warner,T.D.& Eyberg,S.M.(2002).Parenting style and child behavior in African-American families of pre-school children.journal of Clinical Child Psychology, 31,272-277

Robinson,C.C.,Mandleco. B., Olsen,S.F. & Hart,C.H.(2001).The parenting style and dimensions questionnaire (PSQD).Handbook of family measurement techniques: vol 3. Instrument & index (PP 319-321). Thousand oaks:sage

Schmidt,N.&sermat,V.(1983). Measuring loneliness in different relationships.journal of personality and social psychology,44,1038-1047

Steinberg, L. (2001). We know something:parent-adolescent relationships in retrospect and prospect.journal of Research on Adolescence, 11,1-19

منبع مقاله : دانش و پژوهش در روانشناسی، فصلنامه علمی پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۶



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، نهادی غیردولتی و ناسودبر است. این نهاد در سال ۱۳۷۹ از سوی پژوهشگرانی که در حوزه ادبیات کودکان فعال بودند، پایه گذاشته شد و اکنون با بیش از ده سال پیشینه از فعالیت های گسترده، در سطح ملی و بین المللی به کار خود ادامه می دهد.

دفتر این مؤسسه در تهران است و شیوه همکاری با این نهاد به دو شکل کار رسمی و داوطلبانه است. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان هزینه های سازمانی خود را از راه کمک های مردمی و اجرای پروژه های فرهنگی و انتشاراتی به دست می آورد. چنانچه مؤسسه درآمدی داشته باشد، این درآمد را در راه گسترش هدف های خود هزینه می کند.

#### پیوندگاه:

<a href="http://koodaki.org">koodaki.org</a>	مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان	کودکی
<a href="http://iranak.org">iranak.org</a>	ایران کودکی	ایرانک
<a href="http://ketabak.org">ketabak.org</a>	پنجره ای به جهان خواندن	کتابک
<a href="http://amoozak.org">amoozak.org</a>	آموزش خلاق کودک محور	آموزک
<a href="http://khanak.org">khanak.org</a>	با من بخوان	خوانک
<a href="http://rootak.org">rootak.org</a>	پایگاه ارتباط فرهنگی کودک و نوجوان	روتک
<a href="http://dabire.org">dabire.org</a>	درست بیاموز، تا درست بنویسی	دبیره
<a href="http://koodakar.org">koodakar.org</a>	سندوق آموزش و توانمند سازی کودکان کار و محروم	کتاب هددهد
<a href="http://hodhod.com">hodhod.com</a>	گزیده ترین کتاب های کودک و نوجوان	